

داستان زندگی راز جذب رویاها



دوستت دارم
متأسفم
لطفاً منو ببخش
متشکرم

اولین باری که با قانون جذب و مستند راز آشنا شدم بسیار ذوق زده بودم و دیگه خودم رو نامحدود و منبعی برای جذب هر آنچه می خواستم می دیدم در حالی که فیلم راز رو چند بار دیده بودمش اما اون طوری که میگفتن اثری توی خود و اتفاقات زندگی نمی دیدیم و غافل بودم که بیشتر ناخواسته ها رو با قدرت تمام جذب میکردم و فکر میکردم، اینم مانند خیلی از داستان ها افسانه و تخیلی بیشتر نیس.

هم چنان ناخواسته ها رو توی زندگی خودم تجربه میکردم. بالاخره بعد از گذشت زمان متوجه شدم که ناخواسته ها رو سریع تر وارد زندگی میکنم دلیلش چی میتونست باشه.

علاقمند شدم تا بیشتر بدونم و علاقه ام به مطالعه بسیار شدت گرفت و کم کم دیدگاهی درست نسبت به قانون جذب پیدا کردم.

برای جذب خواسته باید خواسته تعیین بشه و احساس و ارتعاش با تصور و اطمینان فرستاده شود جوری که الان انگار به اون خواسته رسیدم و هیچ فاصله فرکانسی بین من و خواسته ام وجود نداره و سپس کافی بود تا رهاس میگردم تا کائنات در نتیجه آسودگی و رهایی از آن خواسته مرا به خواسته ام برسونه و این رهایی تنها میتونه در نتیجه باور و ایمان رسیدن به خواسته به وجود بیاد که وقتی خیالت راحت فاصله فرکانسی تو و خواسته ات هم کمتر هستش.

احساس خوب=تفاقات خوب و احساس بد=تفاقات بد رو باید توی زندگی به کار ببریم و کانون توجه ات روی خواسته ها باشه و نسبت به ناخواسته ها بی توجه باشی چون خواسته ات از اون چیزی هم که فکر میکنی بهت نزدیکتره و فقط باید با خیالی آسوده بخوایش تا سمت حرکت کنه.

مطمئن باش از همون روز اول که شروع به تجسم میکنی توی کائنات
تغییراتی رو به وجود میاری که باعث میشه نشونه هاش رو هم توی زندگیت
بینی و کافیه دوباره در برابر این نشونه ها احساس خوبی داشته باشی و
توجهت روی خواسته ات حفظ بشه اونم نه به صورت طولانی مدت بلکه
توجه کن و رهاس کن و باور داشته باش که اون خواسته رو در زمان درست
بهت میرسونه.

فقط کافیه شروع کنی....

بزار ادامه مطالب رو بگم

جلوتر که رفتم با قدرت کلمات و باورسازی ها آشنا شدم که به صورت
مستقیم با قانون جذب مرتبط بود و سپس شروع به تغییر باورها کردم و
همزمان با توجه به باورها تصمیم گرفتم کار کنم.

در ابتدا به کارهای یدی مانند ماساژ توی خوابگاه دانشگاه و دست فروشی مشغول شدم و با گسترش باورها در این زمینه که پول در آوردن آسان است و نیازی به کار سخت نیست. شروع به کار توی زمینه کنکور رو شروع کردم و کارهای مشاوره و شاگردان با گذشت زمان کوتاهی بسیار سریع گسترش داشت اما چون احساس خوبی نسبت به کنکور نداشتم علی رغم گسترش کسب و کار، اونورها کردم.

سپس کار کردن روی باورها رو شروع کردم و درباره اینکه میتونم با حرفه مورد علاقه خودم که هم به بقیه کمک کنم و هم پولدار بشم باورها رو ساختم و تصمیم گرفتم کسب و کار اینترنتی رو شروع کنم که میتونستم هم به مردم کمک کنم و هم اونا رو گسترش بدم و این از علایقی بود که از دوران کودکی حفظش کرده بودم و میخواستم مانند آنتونی رابینز یا جول اوستین تأثیر گذار و قدرتمند ظاهر بشم و همزمان با علایقم، ثروت را نیز وارد زندگیم کنم.

برای کسب و کار خودم نیاز به سایت داشتم در حالی که ۳ الی ۴ ماه در به در دنبال برنامه نویسی بودم و از همه غیر از جهان و خداوند کمک میخواستم هیچ راه حلی برام بوجود نمیومد و بیشتر درگیر آدمای بودم تا خداوند و الهامات و اون موقع با شکرگزاری آشنایی چندانی نداشتم و باوری تحت عنوان ساختن سایت سخته توی ذهنم وجود داشت.

بعد از گذشت زمان، با شکرگزاری آشنا شدم و بسیار اونو جدی تمرین میکردم تا وارد مدار قدرتمندی از جذب بشم که با الهامات همراه بود و افکارم را پاک تر و ایمانم رو بیشتر میکرد.

برای همه اتفاقات زندگییم از کوچیک به بزرگ شکرگزار بودم و الهامات به طرز معجزه آسایی وارد زندگییم میشدن. البته دورانی که باورسازی و کار رو بدن شکرگزاری انجام میدادم نیز الهامات رو دریافت میکردم اما وضوح الان شکرگزاری رو نداشتن و با شکرگزاری به صورت واضح توی زندگی هم آنچه باید انجام میدادم رو دریافت میکردم.

با شروع جدی شکرگزاری و باورسازی همه چیز تغییر پیدا کرد.

بعد از انجام باورسازی (به آسونی همه کارها رو انجام میدم) و شکرگزاری که با تمرینی به صورت (به خاطر نتایج عالی ساختن سایت گروه تحقیقاتی لیمبیکسا سپاسگزارم) و تجسم نتیجه نهایی سایت.

به یکباره الهامی رو دریافت کردم که از من خواست تا ساخت سایت رو توی اینترنت سرچ کنم. اون موقع بود که با وردپرس آشنا شدم و دیگر نیازی به برنامه نویس نداشتم چون همه اون چیزایی که میخواستم رو پیدا کرده بودم و در عرض کمتر از ۱ ماه سایت رو بالا آوردم در حالی که اون فردی که به عنوان برنامه نویس در نظر گرفته بودم همچنان جوابی نمیداد و سریعاً بهترین افکار و انسان های ممکن رو جذب گروهم کردم که خانواده ای بسیار صمیمی هستن که هر کس وظیفه خودش رو به درستی به انجام میرسونه و تعهدشون رو حفظ میکنن و من همواره سپاسگزار این قدرت و خدایی که مرا در این شرایط قرار داد هستم.

خدایا شکر... خدایا شکر... خدایا شکر...

از تأثیراتی که باور و سپاسگزاری دارن هر چقدر هم بگم کمه. توی زندگی خودم تأثیرش رو دیدم و ازت میخوام اگه واقعاً دوست داری تغییری به وجود بیاری یا توی مسیر موفقیت حرکت کنی حتماً این دوتا کارو انجام بدی.

الان من یاد گرفتم همه مسئولیت های موجود توی زندگی رو قبول میکنم و هیچ کس یا هیچ چیز رو قضاوت نکنم و زندگی که میخوام رو کم کم دارم تجربه میکنم و حتی اتفاقاتی در روابط هر یک از اعضای خانواده ام به وجود آمده است که به مانند معجزه ای میماند که هر کسی خواستار آن است و این اصول توی همه ابعاد زندگی تأثیر داشتن.....

شروع کن....

به قبول مسئولیت

به قضاوت نکردن

به شکرگزاری کردن

به باورسازی

به توجه به خواسته ها

به بی توجه با ناخواسته ها

به احساس خوب داشتن

به توکل کردن به خدا

به آرامش داشتن

آرامشی بی نظیر را برای شما میخواهم که به دور از تصویرت و خیالاتت باشه
تا هر آنچه میخوای را توی دستانت و در مقابلت ببینی و آرام از همه جا
باشی.

آرامش من

سرهیل عزیزاده

موسس سایت گروه تحقیقاتی لیمبیکا

نویسنده و گردآورنده مجموعه کتب بی نظیر باورسازی

دوستت دارم. متأسفم. لطفاً منو ببخش. متشکرم